



اخلاق تجاری از دیدگاه اسلام و قرآن

دکتر حسین تاج آبادی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

Ht171819@gmail.com

مجتبی شفیع نژاد

دانشجوی ارشد رشته مدیریت کسب و کار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

amlak.saman2014@gmail.com

چکیده

جدایی یا عدم جدایی اخلاق از اقتصاد از دیرباز مورد توجه تمامی اندیشمندان این حوزه بوده است و دولت مردان در کشورهای مختلف به دنبال بررسی تأسیس یا عدم تأسیس نظام اقتصادی مبتنی بر اخلاق بوده‌اند و این موضوع بسته به نوع جهان بینی و انسان شناختی آنها در تصمیم گیری‌های آنها تأثیر گذار بوده و معیارهای توسعه یافتگی در هر کشور به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌شده است. در عصر حاضر نظریه‌ی جدایی اخلاق از اقتصاد غالب است. اهداف توسعه در اقتصاد سرمایه داری به جنبه‌های فردی و مادی جامعه توجه می‌کند و در اقتصاد سوسیالیستی دولت محور همه‌ی تصمیمات و صاحب همه بخشهای اقتصادی است و چیزی تحت عنوان "من" وجود ندارد در حالی که در اقتصاد اسلامی به معنویت، عدالت و رفاه عمومی توجه شده است. در این مقاله سعی شده است دیدگاه‌های مکاتب دیگر با دیدگاه اسلام مقایسه شود و ارجحیت دیدگاه اسلام در نوع جهان بینی و انسان شناختی و تأثیر آن در نگرش به مسائل اقتصادی در زمینه وجود رابطه اخلاق با اقتصاد ثابت شود و کوشش شده تا از طریق نقد دیدگاه‌های دو مکتب دیگر عدم وجود رابطه اخلاق با اقتصاد رد شود، همچنین اصول لازم برای داشتن اخلاق در تجارت از دیدگاه اسلام در پنج محور به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان به تأثیر فرهنگ سازی در نهادینه سازی اخلاق اشاره شده و بیان می‌شود که لازمه همه گیر شدن اخلاق آن است که ابتدا در داخل کشور نهادینه سازی صورت پذیرد و سپس کوشش شده راه کارهایی ارائه شود تا اخلاق در تجارت به وسیله روابط بین المللی و مبتنی بر تحقیق علمی که یکی از مقوله‌های روش شناسی در علم سیاست برای شناخت و تثبیت عقیده است در کشورهای اسلامی به طور صحیح شکل گرفته و با رویکردی جهانی به صورت گسترده در سطح بین المللی قابل پایه ریزی باشد.

کلمات کلیدی: اخلاق تجاری، اسلام، قرآن، کسب و کار، اخلاق